

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیاوش آزاد
۲۴ اکتوبر ۲۰۱۹

نقش استعمار در ترویج بیکاری و فقر فزاینده در افغانستان اشغالی

امپریالیسم و استعمارگران ماقبل آن به هر سرزمینی که پا گذاشته اند، آن سرزمین را به نفاق و شقاق کشانیده و با انواع نیرنگ ها و ابزار استعماری برای گسترش نفوذ، تحکیم پایه های اشغالگرانه خویش و خوی دادن مردم محتاج و منقاد استعمارزده به سلطه ستمگرانه استعماری شان کوشیده اند.

یکی از این ابزار و حربه های استعماری امپریالیست های اشغالگر و قاتل امریکا - ناتو طی ۱۸ سال اشغال افغانستان برای منقاد ساختن مردم ما و شکستن روحیه آزادیخواهانه و رزمجویانه آنان در برابر اشغالگران و ایادی زبون و خودفروخته بومی شان، گرسنگی و فقر و فاقگی عمومی از طریق ترویج عامدانه و هدفمند بیکاری در میان نیروی کار کشور مستعمره ما، بوده است.

عوامل فقر عمومی در جامعه ما زیاد است و هر عاملی از میان این عوامل متعدد نیازمند توضیح و تشریح مفصل است. در این مختصر، صرف به طرح یک سری از این عوامل بسنده کرده و توضیح کارشناسانه آن را می گذارم به قلم های توانا تر از این قلم و یا به فرصت های مناسبت دیگر.

این ابزار استعماری به اشکال و طرق مختلف در سرزمین به خون غنوده و لگدمال شده ما توسط اشغالگران و شرکای بومی اشغالگری و تاراجگری شان به کار گرفته شده است. اول از طریق جنگ ویرانگر تجاوزکارانه. هر جنگی، به ویژه جنگ اشغالگرانه تحمیلی تبعات ویرانگری بر روی کلیه عرصه های زیربنایی و روبنایی زندگی اجتماعی یک ملت و به ویژه بر حیات جمعی زحمتکشان آن می گذارد.

یکی از این تبعات جنگ جاری مخرب در کشور ما، عرصه اقتصادی و روند تولید و مبادله و زیرساخت ها و مواصلات و منابع مرتبط با تولید و مبادله در سطح کشور بوده است که سخت متأثر از این جنگ ویرانگر ارتجاعی و تحمیلی شده است. در نتیجه تأثیرپذیری حیات اقتصادی ملت دردمند و خلق زحمتکش ما در بخش های زراعت، صنعت، پیشه وری و تجارت از این جنگ جاری، نیروی کار جوان کشور ما هزار هزار بیکار شده، به کوچیدن به شهر ها روی آورده و یا از فرط بیکاری، با قبول همه خطرات مهاجرت، ناخواسته و به اجبار دست به فرار از کشور زده اند. در نتیجه، بیکاری نیروی کار به صورت کتله ئی، در حالی که بازار ها انباشته از کالا های مورد نیاز این خیل بیکاران و محرومان است، قدرت خرید زحمتکشان را کاهش داده و فقر و احتیاج مصنوعی که هدف

اشغالگران و ایادی ستمگر، استثمارگر و طفیلی بومی شان است، در گستره کشور اشغالی ما تحقق یافته و فراگیر شده است.

در سال های اول اشغال کشور ما، به موازات گسیل سلاح و سربازان اشغالگر، سیلی از سرمایه، مشاور، جاسوس و کارشناس دول و کشور های اشغالگر به افغانستان اشغالی هجوم آورده و جال های عنکبوتی شان را برای شکار جوانان کشور ما - اعم از پسر و دختر - در وجود دلالت استعمار، سرمایه کمپرادوری و مافیائی، ان جی او، رسانه، تلویزیون، رادیو، "جامعه مدنی"، احزاب تسلیم طلب ثبت شده سرکاری، روزنامه و اینترنت پهن کردند تا از یک طرف "دموکراسی" کذائی و وارداتی امریکائی را زیب و زینتی بدهند و از جانبی در وجود این همه شکار شده، در کنار پایه های اساسی اجتماعی خویش (طبقات ارتجاعی)، برای استعمار عمده و فله دست و پا کنند. از این رو، از آوان اشغال وطن عزیز ما توسط متجاوزان امریکائی و متحدان ناتوی شان، تعدادی از جوانان بیکار و بی آینده را به مؤسسات مختلف فوق، ادارات و "ان جی او" ها جذب و زمینه کار کوتاه مدت کار برایشان موقتاً فراهم گردید و به اصطلاح کمک هائی فراهم گردید. اشغالگران از همان روز های نخست به اساس نقشه های استعماری خویش عده ای از این جوانان سست عنصر و لومپن را برای سرکوب حرکت های مخالف به صورت مستقیم توسط دستگاه های اطلاعاتی خویش بسیج، مسلح و تمویل کرده و به جان مردم ما انداختند و تعدادی دیگر را برای مقاصد اطلاعاتی و جاسوسی جذب سیستم استخباراتی دولت پوشالی مزدور خویش کردند. تعدادی از این جوانان دمساز را در بخش های استخباراتی، اداری و علمی - فنی تا سرحد ارسال به کشور های متروپول جهت آموزش و شست و شوی مغزی دستچین کردند. پس از گذشت مدتی و ته کشیدن کیسه های دالر و یورو، بقیه را از کار اخراج کردند که با گذشت زمان عده کثیری از این نوع مؤسسات ساحات کاری خود را مسدود و محدود نمودند که در نتیجه آن، به سیلی از بیکاران در کشور ما افزوده شد.

شکل دیگر تحمیل فقر و گرسنگی بر مردم بی نوای ما توسط اشغالگران، سیاست اقتصادی لیبرالیسم نو متضمن ریاضت اقتصادی؛ عدم حمایت از تولیدات و خدمات داخلی در برابر کالا ها و خدمات وارداتی بیرونی، عدم دخالت دولت در امور بازار و سرانجام "تجارت آزاد" بوده است. این سیاست اقتصادی نولیبرال از روز اول اشغالگری، مخصوصاً از جلسه "بن" در چهارچوب کلی نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی؛ مورد نظر اشغالگران و دیکته کنندگان امریکائی - ناتوی و شخص "زلمی خلیل زاد" بوده است. در نتیجه این سیاست مخرب، دروازه های کشور ما به روی سرمایه مالی و ترکیب آن با سرمایه دلالی و مافیائی، کالا ها و خدمات بیرونی گشوده شده و این سیاست صدرنشین مشی اقتصادی اشغالگران و دولت مزدور و نهاد های کمپرادوری شده و تا همین امروز ادامه یافته است. این سیاست اقتصادی ویرانگر کشور ما را به قیمت خرابی مزید و فاجعه بار محیط زیست و آسیب های ایکولوژیک ناشی از آن بر انسان، حیوان و نبات سرزمین ما، به بازار کالا و سرمایه بیرونی مبدل کرده، جامعه ما را به جای تولید کننده، به مصرف کننده اقلام وارداتی بی کیفیت و در بسا از موارد مضر در بخش های خوراک، ادویه انسان ها، حیوانات و نباتات، البسه، انرژی، وسائل الکترونیک، وسائط نقلیه و ماشین آلات و غیره مبدل کرده است. نتیجه این سیاست ویرانکن در عرصه اقتصادی برای اقتصاد ملی و برای زحمتکشان ما فرا تر از بیکاری گسترده نیروی کار کشور ما، در کوتاه مدت و درازمدت خیلی غم انگیز و فاجعه آفرین بوده است. ضربت خوردن عرصه اقتصادی و روند تولید و مبادله و زیرساخت ها و مواصلات و منابع مرتبط با تولید و مبادله در سطح کشور و مسدود شدن و یا به کندی کشانیده شدن روند تولید و مبادله در مراکز تولیدی و بازار ملی توسط جنگ؛ به خودی

خود و طی یک پروسه عرصه را برای این سیاست اقتصادی مضر و سرمایه مالی و کالا های وارداتی و فعالیت سرمایه کمپرادوری - مافیائی خالی کرده است.

در طی ۱۸ سال اشغال امپریالیستی کشور ما ترویج کاشت کوکنار و تجارت سودآور مواد مخدر پراسیس شده از آن و صدور آن به خارج از کشور، تعداد زیادی از دسته های مافیائی بومی، منطقه ئی و بین المللی را در پیوند به امپریالیسم جهانی احتوا کرده و زمینه چاق شدن عده معدودی را به موازات خانه خرابی و فقر فزاینده و ابترا شدن زندگی اجتماعی اکثریت زحمتکشان کشور ما، مساعد ساخته است. این روند نامشروع ثروت اندوزی مافیائی داخلی، قدرت خرید آن عده را افزایش داده، سبب افزایش نابرابری و افزایش قیمت اجناس و اقلام ضروری در جامعه می شود.

عرصه دیگری که به افزایش نابرابری، سطح درآمد و در نتیجه به صعود قیمت ها و خانه خرابی زحمتکشان کشور ما کمک می کند، عرصه فعالیت های ان جی او ئی، جامعه مدنی، احزاب رسمی معاش خوار، دستگاه های پرخرج اداری، امنیتی، جاسوسی و نظامی دولت مزدور و سائر نهاد های خودفروخته مرتبط با اشغالگران توأم با فساد ذاتی، اختلاس و ارتشاء گسترده است. این ها همه نیرو های مستهلک اند که به گردن اشغالگران و اقتصاد بیمار و مفلوج کشور ما سنگینی می کنند. کلیه فعالیت های این عرصه ها غیرمولد اند که با درآمد بالا و در برخی موارد، درآمد هنگفت مثل "ان جی او" های دزد و غارتگر شرق و غرب کشور، به نابرابری اجتماعی، به افزایش قیم و تورم پولی به قیمت خانه خرابی و فقر مزمن و فزاینده زحمتکشان و محرومان کشور ما انجامیده است.

عامل اساسی دیگر فقر و حرمان زحمتکشان و بی نوایان کشور ما، عامل طبقاتی است. جامعه ما در امتداد قرون و اعصار، به طبقات استثمارگر دارای وسائل تولید و طبقات و اقشار استثمارشده محروم از آن و به تبع آن، به فقیر و غنی، به دارا و نادار، به استثمارگر و استثمارشده، به ستمگر و ستمکش تقسیم شده است. فقر مزمن زحمتکشان و مولدان ما نتیجه سلب مالکیت از آنان و بیگانه شدن زحمتکشان از وسائل و محصول تولید (از خودبیگانگی اجتماعی) و ربودن حاصل تولید این مولدان توسط استثمارگران است.

در ادامه این تقسیم اجتماعی طی قرون و هزاره های گذشته، طی این ۱۸ سال اشغالگری و غارتگری امپریالیستی - ارتجاعی کشور ما، به موازات ورشکستگی تولید و تجارت در گستره بازار داخلی و باز شدن دروازه های کشور ما به روی سرمایه و کالا های وارداتی و به کار افتادن سرمایه های دلالی و مافیائی در کشور و احیای قسمی نیمه فئودالیسم در عرصه اقتصادی؛ دو طبقه ارتجاعی و حاکم کشور در پناه حمایت اشغالگران و در نقش پایه اجتماعی استثمار امپریالیستی، به موازات تشدید ستم و استثمار و قطب بندی اجتماعی و گرسنگی عمومی زحمتکشان کشور، در عرصه اقتصادی بر ثروت خویش افزوده و قدرت سیاسی و فرهنگی را نیز در دستان خویش قبضه کرده و به انحصار درآورده اند. این پروسه منجر به قطب بندی شدن آشکار جامعه ما از لحاظ طبقاتی شده است.

هجوم سرمایه، کالا و خدمات بیرونی به کشور ما و ادامه ۱۸ ساله فعالیت غارتگرانه آن ها، سالانه به تاراج منابع حیاتی، به استثمار زحمتکشان، به خرابی محیط زیست و به فرار سرمایه از کشور ما به جای انباشت و سرمایه گذاری مجدد در اقتصاد ملی، منجر شده و خود عاملی بوده است برای به فقر عمومی کشانیدن و غارت همه جانبه کشور و مردم ما.

علاوه از نقش همه جانبه امپریالیسم اشغالگر و مزدوران و دلالان بومی اش برای ورشکستگی اقتصادی کشور ما و تحمیل بیکاری گسترده و در نتیجه فقر و گرسنگی وسیع و عمومی زحمتکشان و محرومان جامعه در زنجیر ما؛ این نقش مخرب، عامل مبتلا شدن بیکاران جامعه به مواد مخدر، بیماری های روانی، فحشاء و سائر ناهنجاری های

اجتماعی و فرهنگی بوده و در میان عده ای، تسلیم طلبی، روحیهٔ مزدورمنشی، لومپنیسم و دمسازی با استعمار و امپریالیسم - این قاتلان ملت و خلق خود - را دامن زده است.

تا سلطهٔ اسارتبار و ستمگر امپریالیسم اشغالگر بر دوش زخمین این خلق سنگینی کند؛ تا سلطهٔ ستمگر و استثمارگر طبقات ارتجاعی بومی همدست اشغالگران بر مردم و کشور حکومت کند، تا سرمایهٔ امپریالیستی، کمپرادوری و مافیائی در کشور در دوران باشد؛ تا دروازه های کشور به روی سرمایه و کالای وارداتی باز بماند؛ تا شرایط استثمار، ستمکشی و محکومیت ستمکشان در کشور بازتولید شود؛ تا فقر و غنا در کشور تقسیم شود؛ اشغالگری، ستمگری، تبعیض و استثمارگری امپریالیسم و ارتجاع و به موازات آن، ستمکشی، بهره دهی، تبعیضات، نابرابری و فرودستی اجتماعی زحمتکشان و تاریخی نیم نفوس را پایانی نخواهد بود. این از الفبای علوم جامعه شناسی و اقتصاد سیاسی پیشرو و رهانبیخش است. علم پیشرو دوی این درد جانکاه ستمکشان را نیز تجویز می کند: انقلاب و آژگونی این مناسبات تولیدی مبتنی بر ستم و بهره کشی و وارونگی موجود تاریخی!